

دبلماسی فرهنگی (۱)

- تاریخ انتشار در سایت: ۱ خرداد ۱۳۸۹
- منبع: / روزنامه / قدس / ۱۳۸۹/۳/۲۵
- نقش ها

◀ گفت و گو کننده: [جواد صوحی](#)

◀ گفت و گو شونده: [فیروز وردی نژاد](#)

● عناوین

◀ / سیاست و روابط بین الملل / سیاست / سیاست خارجی / دبلماسی / دبلماسی فرهنگی

◀ رشته: 0

یکی از عوامل اصلی پیشبرد و ارتقای تمدن بشری و محوری ترین عامل برای توسعه بشر در طول تاریخ، وجود روابط فرهنگی پان کشورها بوده و توسعه روابط فرهنگی، زیر بنا و اساس توسعه فرهنگ ملی را تشکیل داده است. گسترش و تعمیق روابط فرهنگی، صلح و دوستی را بدنبال دارد و شک نیست که ارایه فرهنگهای مختلف کشورها، در قالب برنامه های جامع و ارزنده نقش مؤثری در ایجاد شناخت، همدلی و تحکیم روابط کشورها داشته و خواهد داشت. این مهم را بهانه ای برای گفتگو با دکتر فریدون وردی نژاد، عضو هیات علمی دانشگاه تهران قرار دادیم که تقدیم حضورتان می شود:

آقای دکتر می توان ادعا کرد که فرهنگ دارای سطوحی است که با هر سطح آن هم به گونه ای باید برخورد کرد؟
**بله دقیقاً، یک بخش از فرهنگ، بخش ظاهری و شاخ و برگ فرهنگ است، این سطح کاملاً قابل مشاهده است. یعنی در رفتار روزمره مردم دیده می شود و علامت های آن را می توان دید و کاملاً قابل فهم و درک است و به آن نماد های ملموس فرهنگی می گویند. یک سلسله از ارزش ها، ارزشهای حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری است که در اصل ایندولوزی هر جامعه است که باید ونبایدهایش هم درون این سطح است. در اصل این مبنای عمل قرار می گیرد و هر آنچه مربوط به یادگیری است در درون این قسمت قرار می گیرد، و بخش سوم، بخش مفروضات اساسی، یا زیرساختهای فرهنگ است که این مفروضات را نمی توان نادیده گرفت. در اصل، اینها اعتقادات، باورها و ریشه های فرهنگی هر جامعه است.

ما در مناسبات فرهنگی مان با دیگر کشورها با کدام وجه آن سروکار داریم؟
**همانطور که اشاره کردم این سه سطح فرهنگ ریشه، تنه و شاخ و برگ است. ما در مناسبات فرهنگی بیشترین برخوردی که داریم درصحنه عمل ها و رفتارها و شاخ و برگ است که در بیرون خاک قرار دارد. بر این اساس کشورها وقتی بخواهند فعالیتهای فرهنگی خودشان را سازمان بدهند و روابط فرهنگی را استوار کنند، باید یک تئوری کانونی برای رفتارهای خود در سطح بین المللی داشته باشند تا تئوری کانونی کشورها مشخص نباشد، بخش فرهنگ به عنوان یک عرصه و دبلماسی فرهنگی نمی تواند شکل بگیرد.

یعنی چه: تئوری کانونی کشورها؟
**ببینید؛ معمولاً کشورها چهار محور راه عنوان اساس، محور و تئوری کانونی روابط یا زیست خودشان قرار می دهند. بدین معنا که بعضی از کشورها تمام توانایی خودشان را متمرکز می کنند در خصوص گسترش قدرت و توانایی سخت افزاری کشور، زیرا احساس می کنند که مورد تهدید هستند و امنیت ملی آنان در خطر است. پس راه مقابله با دشمن و ادامه حیات در سطح بین المللی را گسترش قدرت و توانایی سخت افزاری خودشان می دانند. مثلاً کره شمالی و کوبا و برخی کشورهای دیگر. اینها به دنبال این هستند که یک اینولاسیون یا یک محدودیتی در ارتباطات بین المللی خود ایجاد کنند و توان نظامی و سخت افزاری خودشان را گسترش دهند. اگر کسی قدرت را به عنوان تئوری کانونی انتخاب کرد، در بخش سخت افزاری، تمام مبنای فرهنگی آن هم بر این اساس شکل می گیرد و دیگر هر کسی خارج از خودش را دشمن می بیند. هر کسی را در خارج از محدود جغرافیایی تهدید می انگارد، هر نوع روابط فرهنگی دیگران را تهاجم فرهنگی و نه تعامل فرهنگی می داند.

یک سلسله از کشورها، تفکر و تئوری کانونی مسلط بر روابط راسلحه می دانند. این به معنای آن است که علاقه مند هستند به جای اینکه قدرت خودشان را گسترش دهند، از مرزهایشان مراقبت و رابطه شان را با سایر کشورها محدود کنند و به دنبال تأثیرگذاری و سلطه بر دیگر کشورها هستند. این کشورها کشورهای هستند که علاوه بر جغرافیای طبیعی و مرزهایشان به دنبال جغرافیای سیاسی فراتر از مرزهای خودشان هستند. به تعبیر دیگر این کشورها که تئوری کانونی شان سلطه است، مرزهای طبیعی خودشان را به رسمیت نمی شناسند و مرزهایشان را در جای دیگر قرار می دهند. مثال بارز آن، دولت ایالات متحده آمریکا است که استراتژی سلطه دارد و در خلیج فارس همسایه جدیدیاریان شده است و مرزهای خود را از لحاظ سیاسی گسترش داده و روابط سیاسی این کشور به این صورت شکل می گیرد.

کشورهایی که به قول شما به دنبال همزوم و تأثیرگذاری و سلطه بر دیگر کشورها هستند، روابط شان را بر پایه برنامه های سخت افزاری تعریف می کنند یا نرم افزاری؟

**هر دو به صورت توأمان. چون برای حضور در سایر عرصه ها و برای گسترش مرزهای سیاسی باید نوآوری هایی در عرصه های مختلف از جمله عرصه فرهنگی داشته باشد. لذا به دنبال تولید صنایع فرهنگی، گسترش هنر، فرهنگ و توریسم هستند و روابط را با ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری توأمان جلو می برند. سینمای آنان و بقیه عرصه های هنری شان رشد می کند، چون به دنبال نوآوری در محیط های جدید هستند تا بتوانند پایگاههای خودشان را در آنجا مستحکم کنند.

سومین سلسله از کشورها، کشورهایی هستند که قدرت و همزوم را به عنوان اولویت انتخاب می کنند یعنی زیست و حضور را متکی بر گسترش ایندولوزی و تفکر خودشان می دانند. نمونه بارز آن رژیم اشغالگر قدس و برخی کشورهای کمونیستی و برخی از کشورهای مذهبی هستند. اینها به دنبال گسترش تفکر و ایندولوزی هستند و معمولاً شعارهای جهان وطنی دارند. از نگاه آنها حکومت جهانی و دولت جهانی باید شکل بگیرد. با این نگاه ایندولوزیکی، پس از روی کار آمدن نواکانها یا نواصیها کارها در آمریکا، آمریکایی ها یک پیوند بین تئوری کانونی همزوم و تئوری کانونی ایندولوزیک برقرار کردند، یعنی اینها، هم به دنبال گسترش ایندولوزی وهم بدنبال نهادهای سازی فرهنگ آمریکایی هستند و در اصل نوع روابط شان با کشورهای دیگر براساس ارزشهای نهادین ملی شان استوار است. آمریکایی ها می گویند نوع مدیریت آمریکایی باید جهانی باشد. هنر آمریکایی بهترین است و... این نگاه ایندولوزیک است که کشورهای کمونیستی و کشورهای مذهبی و کشورهایی که از اومانیزم و کاپتالیزم حمایت می کنند؛ بحث شان در این تئوری کانونی ایندولوزیک متمرکز می شود. چهارمین دسته، کشورهایی هستند که به دنبال توسعه اند، یعنی تئوری کانونی آنها توسعه است. به معنای دیگر آنان به دنبال رفاه اقتصادی هستند. دنبال رسیدن به وضعیت بهتر زندگی مردم هستند، به دنبال توسعه صنایع خود هستند، به دنبال تقویت علم و دانش و حرکتی که باید در این مسیر صورت گیرد.

ما در کدام بخش قرار داریم؟

**اینچه از مرز و راسخ بالادستی کشور مستفاد می شود، نشان می دهد که از این چهار محور، اولویت جمهوری اسلامی ایران توسعه است. به دلیل آنکه سند چشم انداز بیست ساله کشور طراحی شده و ایران ۱۴۰۴ را ترسیم کرده ایران باید دارای جایگاه اول فرهنگی، علمی، اقتصادی در بین ۳۶ کشور در سطح منطقه باشد. در این میان کشورهای قدرتمند مثل ترکیه، عربستان، پاکستان و کشورهای مثل عمان هم کم کم در کنار ما قرار می گیرند. اگر ما بخواهیم بین این کشورها در تراز اول قرار بگیریم، تمام مناسبات خارجی و روابط مان، چه دبلماسی فرهنگی و چه مناسبات سیاسی باید بر اساس «تئوری کانونی توسعه» شکل بگیرد و توسعه تعریف خاص خودش را دارد. توسعه معنایش این است که براساس سند چشم انداز، روابط مؤثر و سازنده در سطح بین الملل داشته باشیم، یعنی اینکه دیگر جنگ نداریم، درگیری و خشونت و اخم نداریم. تعامل داریم، همراهی داریم و همکاری و مشارکت. یعنی اگر ما استراتژی کانونی مان را توسعه قرار دادیم، باید به سوی تعامل فرهنگی گام برداریم. تعامل یعنی همکاری، کنار هم نشستن و چانه زدن و تهاجم یعنی جنگ و برخورد. آنها می آیند جلو یک سنگر از ما می گیرند، ما یک سنگر از آنها می گیریم، آنها یک توپ فرهنگی به ما می زنند، ما هم به آنها یک توپ فرهنگی می زنیم تا ببینیم وضعیت در این جبهه چه می شود؟ تهاجم فرهنگی زبان قدرت است، تهاجم زبان همزوم است، تهاجم زبان گسترش ایندولوزیک است.

اما عده ای معتقدند هنگامی که استراتژی کانونی کشور توسعه است، ایندولوزی و قدرت کنار می رود.

**اینطور نیست. قدرت و ایندولوزی همواره لازم است ولی اولویت توسعه است. مگر این که بگوییم سند چشم انداز ۲۰ ساله یک سند کناری است و یا یک سند غیرجدی است. اگر سند جدی است، این سند می گوید توسعه، می گوید تعامل، این توسعه ضرورتها و فریودگی هم دارد. سند چشم انداز می گوید قدرت اول منطقه ای در سال ۱۴۰۴ با تعامل مؤثر و سازنده با جهان. اما می گوید از هر

راهی نمی توان به سوی توسعه حرکت کرد. دو محدوده واحد هم می گذارد، یعنی دو سیاست و خط مشی هم می گذارد و می گوید: اسلامی و انقلابی مانند، الگو برای دیگر کشورهای مسلمان بودن یعنی این دو قید درسند چشم انداز وارد شده و به این می گوئیم، باید و نباید که در اصطلاح مدیریتی و سیاسی به آن خط مشی، سیاست، قاب و چهارچوب گفته می شود. یعنی نمی توان به توسعه رسید، اما اسلامیت را کنار گذاشت. اگر فرار است ما الگوی دیگران باشیم، چگونه باید الگوی دیگران باشیم؟ معمولاً یکی از الگوهای رایج در جهان الگوی همانندسازی، یعنی ما به دنبال این هستیم که دیگران را مثل خودمان کنیم. آمریکا دنبال این است که دیگران را همانند ایالات متحده کند، به این می گویند الگوی همانندسازی.

ادامه دارد ...

نام

رایانامه

در

صورت پاسخ به نظر من، مرا با خبر کن



- در صورت ناخوانا بودن تصویر اینجا کلیک کنید
- نظراتی که حاوی نکات غیراخلاقی و غیرقانونی باشند، توسط مدیریت اصلاح یا حذف می شوند

باشگاه ها	مطالب	عناوین	سایر
باشگاه های تخصصی	مقاله	منابع	دانشنامه
باشگاه اخبار اندیشه	گزارش	افراد و مشاهیر	نیازمندی ها
باشگاه من	گفت و گو	موضوعات	درباره ما
	گفتمان	مناطق	تماس با ما
	خبر	پرونده	آمار
	کتاب		
	تصویر		
	کاریکاتور		
	صدا		
	سینما		
	شعر		

تمام حقوق مادی و معنوی متعلق به سایت باشگاه اندیشه می باشد و استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.